

# ایده نظم در تاریخ فلسفه یونان

## بررسی وجوه معرفتی - هستی‌شناختی نظم در فلسفه سیاسی افلاطون

عبدالرسول حسینی فر<sup>۱</sup>، حمزه عالمی چراغعلی<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از مسائلی که نقطه اتحاد وجوه هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی تفکر فلسفی در طول تاریخ و تأثیرگذار و تعیین‌کننده جهت و جریان کلی سیاست و اجتماع است، موضوع و ایده نظم است. بعبارتی، نظم هم وجه هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و هم وجه انسان‌شناسی در ارتباط با زندگی سیاسی در شهر و جامعه دارد بطوری که تاریخ فلسفه را میتوان بر محوریت این ایده نظم تفسیر و صورتبندی کرد.

نظم در تفکر فلسفی یونان یکی از اندیشه‌های فلسفی است که بسبب تأثیر و جهت‌دهندگی به سایر اندیشه‌ها و متفکران در طول تاریخ تفکر فلسفی، نقش و جایگاه مهم و یگانه‌ی دارد و در این میان اندیشه افلاطون یکی از نقاط عطف آن بشمار میرود. بر این اساس، در نوشتار حاضر تلاش گردیده مفهوم

۱۲۱

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول): [hasanifar@lihu.usb.ac.ir](mailto:hasanifar@lihu.usb.ac.ir)

۲. دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ دریافت: ۹۵/۴/۱ تاریخ تأیید: ۹۵/۶/۲



فلسفی نظم از جهات معرفتی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی در تاریخ تفکر فلسفی یونان و بصورت خاص افلاطون مورد بررسی قرار گیرد و تأثیر و جهت‌دهندگی آن در فلسفه سیاسی افلاطون نشان داده شود. از این جهت در این نوشتار با روشی تحلیلی توصیفی در گام اول نگاهی تاریخی به مفهوم نظم در اندیشمندان قبل از افلاطون انداخته شده است و سپس فلسفه افلاطون بطور عام از جهات هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی و بطور خاص فلسفه سیاسی افلاطون با تأکید بر نظام سیاسی مطلوب، نظام تربیتی و ... بر اساس این ایده نظم، مورد بررسی قرار گرفته است.

بطور کلی بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد تفکر فلسفی معطوف به نظم، اگرچه با نوعی نگاه افسانه‌یی و طبیعت‌گرایی آغاز می‌گردد ولی با تحول تفکر انسان از جهان افسانه‌یی و نگرش نظم طبیعی، به نظم با سویه ریاضی، جهان‌شناسانه و متافیزیکی متحول می‌شود. در ادامه این جریان در تفکر افلاطون، نگرش طبیعی و ریاضی به نظم با نگرش الهی و فضیلت‌مندانه پیوند می‌یابد و نظم بعنوان هم‌زمینه و اساس دیگر فضیلتها و هم‌هدف‌نهایی فلسفه، صورتی سیاسی - اجتماعی در ارتباط با قانون می‌یابد.

**کلیدواژه‌ها:** نظم، تاریخ فلسفه، فیثاغوریان، فلسفه سیاسی، افلاطون

\* \* \*

## ۱. مقدمه

سخن از نظم عمری به اندازه تاریخ فلسفه دارد و در این میان تاریخ فلسفه یونان را میتوان نوعی تاریخ تحول و تطور اندیشه در باب نظم دانست که از وجوه هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و در قالب اندیشه در باب نظم جامعه و شهر نمود یافته است. این تفکر و ایده نظم در تاریخ یونان همراه با تحولات بسیاری بوده و اندیشه در باب نظم از صورتی به صورتی دیگر تحول یافته است؛ بطور مثال هر اندازه یونانیان از جهان افسانه‌یی هومر (*ایلیاد و اودیسه*) در اواسط قرن هشتم قبل از میلاد بسوی نگرش طبیعی قرن ششم پیش می‌آیند، تفکر آنان از پراکندگی و تناقض اسطوره‌یی بسمت صورتبندی منظمتری در قرن ششم، قرن نگرش طبیعی و تقریباً علمی به جهان، نزدیک می‌شود و مطالعات آنان درباره جهان

